



دانشگاه اراک

دانشکده علوم انسانی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه

سیر تطوّر عناصر تصویر ساز در غزلیات رهی معیّری با نگاه مکتبی

پژوهشگر

موسی باقری

استاد راهنما

آقای دکتر محسن ذوالفقاری

استاد مشاور

سرکار خانم دکتر زهرا موسوی

پاییز ۱۳۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

سیر تطوّر عناصر تصویر ساز در غزلیات رهی معیّری با نگاه مکتبی

توسط:

موسی باقری

پایان نامه

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی لازم برای

اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی ادبیات فارسی

از

دانشگاه اراک

اراک- ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه قبولی : ۱۹.۵

دکتر محسن ذوالفقاری (استاد راهنما و رئیس کمیته)..... دانشیار

دکتر زهرا موسوی (استاد مشاور)..... استادیار

دکتر حسن حیدری (استاد داور)..... استادیار

پاییز ۱۳۹۰

## تقدیر و تشکر

با حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال و آفریننده ی قلم که هرچه داریم از او است .

در ابتدا از زحمات بی دریغ استاد بزرگووارم، جناب آقای دکتر محسن ذوالفقاری که با راهنمایی های خوب خود، مرا در تهیه ی این مجموعه، کاملاً یاری کردند، تشکر و قدردانی می نمایم، همچنین استاد گرامی، سرکار خانم دکتر موسوی که مشاوره ی این پایان نامه را تقبل کردند.

و با تشکر فراوان از تمام استادان این دانشگاه که در مدت تحصیل، هم در دوره ی کارشناسی و هم در دوره کارشناسی ارشد در زیر سایه ی بزرگواری های ایشان اخلاق و ادب آموختم تا بتوانم در زندگی راه رستگاری را بیابم و هم بتوانم با توجه داشتن شغل معلّمی خودم، دانش آموزانم را از آن بهره مند سازم.

همچنین باید دورادور از استادانی که به طور غیرمستقیم با مطالعه کتاب هایشان تزکیه و تعلیم را آموخته ام تشکر کنم، مخصوصاً آقای محمدرضا شفیعی کدکنی، که کتاب صور خیال ایشان افق های تازه ای برای خوانندگان عرصه ی ادبیات فارسی روشن می کند.

« سیر تطوّر عناصر تصویر ساز در غزلیات رهی معیّری با دید مکتبی »

تهیه کننده: موسی باقری دانشجوی ارشد دانشگاه اراک

رساله ای که در پیش رو داریم، جهت بررسی سیر تطوّر عناصر تصویر ساز در غزلیات رهی معیّری نوشته شده است. روش تحقیق مورد استفاده ی من در این رساله، اسنادی و تحلیل محتوا است؛ به طوری که با مراجعه به کتاب های منبع و نیز اشعار – البته فقط غزلیات – شاعر مورد نظر، به بررسی اشعار ایشان پرداخته ام. نحوه ی کار من در این رساله و محتوای فصل های آن به قرار زیر است:

در فصل اوّل به بیان ( تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) و برخی از آرایه های بدیع که در غزلیات رهی بیشتر از دیگر آرایه های بدیع خود نمایی می کنند، و خیلی زیبا به کار گرفته شده است، پرداخته ام.

در فصل دوم به نقد تصویر از دید نقد ادبی جدید پرداخته ام، در این فصل با مطالعه ی کتاب صور خیال آقای شفیع کدکنی و با آشنایی نظریه های جدید ادبی، به نقد تصویر از دیدگاه تصاویر اصالی و القایی، تصاویر عمودی و افقی خیال، تصاویر تکراری، تصاویر پنهان، تناقض تصاویر و ... پرداخته ام.

در فصل سوم از دیدگاه بعضی از مکتب های ادبی جهان، غزلیات رهی را بررسی کرده ام، از قبیل مکتب کلاسیسیسم، رمانتیسم و ... و منظور از دید مکتبی در عنوان پایان نامه همین مباحث است.

نتایج به دست آمده در این رساله به این قرار است: الف) غزلیات رهی معیّری تقلیدی زیرکانه و ماهرانه از غزلیات موقّ سنتی فارسی است. ب) محیط پیرامون زندگی رهی در غزلیاتش منعکس نشده است. ج) صنعت پرداززی ها و لفظ بازی های غزلیات رهی استادانه به کار گرفته شده است؛ اگر وی روزآمد تر شعر سرایی می کرد، بیشتر از دیگر شاعران موقّ معاصر مورد توجه ادبیات فارسی قرار می گرفت. د) غزلیات ایشان تقریباً در حوزه ی مکتب رمانتیسم قرار دارد.

واژه های کلیدی: تصویر، بیان، نقد، هماهنگی تصاویر، تصاویر اصالی و القایی، نقد طولی و عرضی و رمانتیسم.

والسلام

## فهرست مطالب

فهرست .....	صفحه
فصل اول: معرفی رهی و نقد بیان .....	۱
بخش اول: آشنایی با رهی .....	۲
زندگی نامه ی رهی معیری .....	۲
نقدی بر سایه ی عمر رهی .....	۴
کلیّات ( شعر چیست ) .....	۹
بخش دوم: بیان .....	۱۲
الف) تشبیه .....	۱۲
طرفین تشبیه به اعتبار حسّی و عقلی .....	۱۵
تشبیه حسّی به حسّی .....	۱۵
تشبیه عقلی به حسّی .....	۱۶
تشبیه حسّی به عقلی .....	۱۶
تشبیه عقلی به عقلی .....	۱۷
انواع تشبیه با اعتبار ذکر یا حذف ارکان .....	۱۸
بلیغ .....	۲۰
مؤکّد مفصّل .....	۲۱

- ۲۲ ..... مجملِ مرسل
- ۲۳ ..... مرسل و مفصل
- ۲۴ ..... نتیجه گیری و تحلیل داده ها
- ۲۶ ..... تشبیه مرکب
- ۳۴ ..... نتیجه گیری از تشبیه مرکب
- ۳۴ ..... نقد ادات تشبیه
- ۳۷ ..... نقد تشبیه
- ۴۰ ..... نتیجه گیری از تشبیه
- ۴۰ ..... ( ب ) استعاره
- ۴۱ ..... مرشح
- ۴۳ ..... مطلقه
- ۴۴ ..... مجرّده
- ۴۵ ..... استعاره ی مکنیه
- ۴۸ ..... نقد استعاره
- ۴۹ ..... نتیجه گیری از استعاره
- ۵۰ ..... ( ج ) کنایه
- ۵۳ ..... نمونه هایی از کنایه

- نتیجه گیری از کنایه ..... ۵۶
- د) مجاز مفرد مرسل ..... ۵۶
- نمونه هایی از مجاز ..... ۶۵
- نتیجه گیری از مجاز ..... ۶۰
- بخش سوم بدیع ..... ۶۱
- الف) ایهام ..... ۶۲
- نمونه هایی از ایهام همراه توضیح ..... ۶۳
- ب) لفّ و نشر ..... ۶۷
- نمونه هایی از لفّ و نشر ..... ۶۷
- ج) تناقض ..... ۶۹
- نمونه هایی از تناقض همراه توضیح ..... ۷۰
- د) اغراق ..... ۷۲
- نمونه هایی از اغراق با توضیح ..... ۷۲
- ر) تکرار و تناسب ..... ۷۴
- نمونه هایی از تکرار و تناسب ..... ۷۵
- نتیجه گیری از بدیع ..... ۷۸

۷۸	نتیجه گیری فصل اول
۸۱	پی نوشت فصل اول
۸۶	<b>فصل دوم ( نقد تصویر از دید جدید )</b>
۸۷	<b>بخش اول: مقدمه</b>
۸۷	کلیات
۸۸	نقد و انواع آن
۹۰	تاریخچه ی نقد ادبی
۹۲	تصویر چیست
۹۷	<b>بخش دوم: تصاویر اصالی و تصاویر القایی</b>
۱۰۰	نقد تصاویر اصالی و القایی غزلیات رهی
۱۰۸	نتیجه گیری بخش دوم
۱۰۹	<b>بخش سوم: تناقض تصاویر</b>
۱۱۱	نمونه هایی از تناقض تصاویر
۱۱۹	نتیجه گیری بخش سوم
۱۱۹	<b>بخش چهارم: تکرار تصاویر</b>
۱۲۳	الف - از خویش دزدی



۱۲۹	ب - تقلید از گذشتگان
۱۳۲	نتیجه گیری بخش چهارم
۱۳۲	<b>بخش پنجم: تصاویر پنهان</b>
۱۳۵	نمونه هایی از تصاویر پنهان
۱۴۲	نتیجه گیری بخش پنجم
۱۴۳	<b>بخش ششم: هماهنگی تصاویر نوع ادبی</b>
۱۴۶	نمونه هایی از ناهماهنگی تصاویر با نوع ادبی
۱۵۰	نتیجه گیری بخش ششم
۱۵۱	<b>بخش هفتم: هماهنگی تصاویر در محور افقی و عمودی</b>
۱۶۰	نمونه هایی از ناهماهنگی تصویر
۱۶۳	غزلیات ناتمام گونه
۱۶۳	تأثیر ردیف در محور عمودی خیال
۱۶۵	نتیجه گیری بخش هفتم
۱۶۵	<b>بخش هشتم: زمان و مکان تصویر سازی</b>
۱۷۰	نمونه هایی از عدم هماهنگی زمان و مکان تصویر سازی
۱۷۲	نتیجه گیری بخش هشتم

۱۷۴	بخش نهم: ابهام تصاویر
۱۷۷	نمونه هایی از ابهام تصویر
۱۸۴	نتیجه گیری بخش نهم
۱۸۴	بخش دهم: رستاخیز کلمه ها
۱۸۸	نمونه هایی از رستاخیز کلمه ها
۱۹۰	نتیجه گیری بخش دهم
۱۹۰	بخش یازدهم: بررسی خاستگاه تصاویر
۱۹۴	نتیجه گیری بخش یازدهم
۱۹۴	بخش دوازدهم: صفت و صفت هنری
۱۹۶	نمونه هایی از صفت
۱۹۷	نمونه هایی از صفت هنری
۲۰۰	نتیجه گیری بخش دوازدهم
۲۰۰	بخش سیزدهم: تحلیل داده های تصویری
۲۰۶	نتیجه گیری بخش سیزدهم
۲۰۷	نتیجه گیری فصل دوم
۲۰۹	پی نوشت فصل دوم

۲۱۲	..... فصل سوم : مقایسه ی غزل رهی با مکاتب
۲۱۳	..... بخش اول: مکتب کلاسیسیسم
۲۱۳	..... کلیّات
۲۱۴	..... مقدمه ای بر مکتب کلاسیسیسم
۲۱۵	..... اصول و قواعد مکتب کلاسیک
۲۱۵	..... ذکر نمونه هایی از این اصول در غزل رهی
۲۱۸	..... نتیجه گیری بخش اول :
۲۱۸	..... بخش دوم: مکتب رمانتیسم
۲۱۹	..... اصول مکتب رمانتیسم :
۲۲۱	..... نقد ویژگی های ادبی کلاسیسیسم در غزلیّات رهی
۲۲۲	..... نتیجه گیری بخش دوم :
۲۲۳	..... بخش سوم: نقد روانشناسانه
۲۲۷	..... تحلیل و بررسی نظریّات
۲۳۰	..... نمونه یابی در غزل رهی
۲۳۶	..... نتیجه گیری بخش سوم
۲۳۷	..... نتیجه گیری فصل سوم

۲۳۸ ..... پی نوشت فصل سوم

۲۳۹..... نتیجه گیری پایان نامه

۲۴۱ ..... منابع و مأخذ

3 ..... چکیده ی انگلیسی

## فصل اوّل: معرفّی رهی و بیان

بخش اوّل: آشنایی با رهی معیّری

بخش دوم: بیان

بخش سوم: بدیع

## بخش اول آشنایی با رهی معیّری

### الف ( زندگی نامه ی رهی

محمد حسن معیّری، متخلص به «رهی» فرزند محمدحسن خان مؤید خلوت در دهم اردیبهشت ماه ۱۲۸۸ هجری شمسی در تهران چشم به جهان گشود. پدرش محمدحسن خان [۱] چندگاهی قبل از تولّد رهی رخت به سرای دیگر کشیده بود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان برد، آن گاه به استخدام دولت درآمد و در مشاغلی چند انجام وظیفه کرد و از سال ۱۳۲۲ ریاست کلّ انتشارات و تبلیغات وزارت پیشه و هنر منصوب گردید. رهی از اوان کودکی به شعر و موسیقی و نقّاشی علاقه و دلبستگی فراوان داشت و در این هنر بهره ای به سزا یافت. هفده سال پیش نداشت که اولین رباعی خود را سرود:

کاش امشبم آن شمع طرب می آمد      وین روز مفارقت به شب می آمد  
آن لب که چو جان ماست دور از لب ماست      ای کاش که جان ما به لب می آمد

در آغاز شاعری، در انجمن ادبی حکیم نظامی که به ریاست مرحوم وحید دستگردی تشکیل می شد شرکت جست و از اعضای مؤثر و فعال آن بود و نیز در انجمن ادبی فرهنگستان از اعضای مؤسس و برجسته آن به شمار می رفت. وی همچنین در انجمن موسیقی ایران عضویت داشت. اشعارش در بیشتر روزنامه ها و مجلّات ادبی نشر یافت و آثار سیاسی، فکاهی و انتقادی او با نام های مستعار «شاه پریون»، «زاغچه»، «حقگو»، «گوشه گیر» در روزنامه «باباشمل» و مجلّه «تهران مصوّر» چاپ می شد.

رهی علاوه بر شاعری، در ساختن تصنیف نیز مهارت کامل داشت. ترانه های: خزان عشق، نوای نی، به کنارم بنشین، کاروان و دیگر ترانه های او مشهور و زبانزد خاص و عام گردید و هنوز هم خاطره آن آهنگ ها و ترانه های شورانگیز و طرب افزا در یادها مانده است.

رهی در سال های آخر عمر در برنامه گل های رنگارنگ رادیو، در انتخاب شعر با داوود پیرنیا همکاری داشت و پس از او نیز تا پایان زندگی آن برنامه را سرپرستی می کرد.

#### مسافرت های رهی

رهی در طول حیات خود سفرهایی به خارج از ایران داشت که از جمله است: سفر به ترکیه در سال ۱۳۳۶ سفر به اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۳۳۷ برای شرکت در جشن انقلاب کبیر، سفر به ایتالیا و فرانسه در سال ۱۳۳۸ و دو بار سفر به افغانستان، یک بار در سال ۱۳۴۱ برای شرکت در مراسم یادبود نهمین سال درگذشت خواجه عبدالله انصاری و دیگر در سال ۱۳۴۵، عزیمت به انگلستان در سال ۱۳۴۶ برای عمل جراحی، آخرین سفر معیّری بود. و این شعر را در بیمارستان لندن سرود:

گردون مرا ز محنت هستی رها نخواست      مرگم رسیده بود ولیکن خدا نخواست

آمد اجل که از غم دل وارهاندم      اما زمانه از غم و رنجم رها نخواست

رهی معیّری که تا آخر عمر مجرد زیست، در چهارم آبان سال ۱۳۴۷ پس از رنجی طولانی و جانکاه از بیماری سرطان بدرود زندگانی گفت و در مقبره ی ظهیرالدوله شمیران مدفون گردید. رهی بدون تردید یکی از چند چهره ی ممتاز غزل سرای معاصر است. سخن او تحت تاثیر شاعرانی چون سعدی، حافظ، مولوی، صائب و گاه مسعود سعد و نظامی است. اما دل بستگی و توجه بیشتر او به زبان سعدی است. این عشق و شیفتگی به سعدی، سخنش را از رنگ و بوی شیوه ی استاد برخوردار کرده است به گونه ای که همان سادگی و روانی و طراوت غزل های سعدی را از بیشتر غزل های او می توان دریافت.

مجموعه ای از اشعار رهی معیّری با عنوان «سایه ی عمر» در سال ۱۳۴۵ به چاپ رسید.

از شعرهای معروف او، خزان عشق (به عبارتی همان تصنیف مشهور "شد خزان گلشن آشنایی" که بدیع‌زاده آن را در دستگاه همایون اجرا کرد)، نوای نی، دارم شب و روز، شب جدایی، یار رمیده، یاد ایام، بهار، کاروان، مرغ حق است.

### نقدی بر سایه ی عمر رهی

سر انجام رهی معیّری بر تردید دیرینه ی خویش غالب آمد و دفتر شعرش را که از سال ها قبل انتظارش می رفت به چاپ رسانید. در مجموع رهی در کار شعرش از سخت گیرترین شاعران این روزگار است و همین سخت گیری و تردید او در کار انتشار شعر یکی از علل شستگی و انسجام شعر اوست.

هماهنگی عناصر غزل در شعر او بیش از همه ی شاعران معاصر به چشم می خورد. اگر توجه شود، در غزل معاصر فارسی چند چهره ی برجسته وجود دارد که هر کدام در آفاق کار خود امتیازاتی بر دیگران دارند و روی همان موازین و علل، هر دسته ای از مردم نیز به آثار یکی از این چند شاعر می گرایند.

سوز غزل های شهریار و صمیمیت بیان او باعث شده است که هر کس اهل زمزمه باشد، از شعر های او لذّت ببرد. از سوی دیگر، مضامین و اندیشه های ارجمند امیری فیروز کوهی در موازین شیوه ی هندی (اصفهانی) و آفاق فکری شاعران عصر صفوی، دسته ی دیگری از دوستداران شعر در قالب غزل را به گزینش شعر او و ترجیح او بر دیگران وا می دارد.

بی آن که بخواهم اظهار نظری در قیاس این دو شاعر با رهی معیّری به میان آورم، نکته ای را فراموش نمی کنم و آن این است که شعر رهی حالت اعتدالی است میان این دو شیوه، با در نظر گرفتن چند نکته ی دیگر.

اگر بخواهیم با موازین کهن - که چندان اعتباری هم ندارد - سبک شعر رهی را تعیین کنیم، باید او را در مرزی میان شیوه ی اصفهانی و عراقی قرار دهیم، زیرا بسیاری از خصوصیات هر



یک از این دو سبک را در شعر او می بینیم، بی آن که بتوانیم او را به طور مسلّم منتسب به یکی از این دو شیوه بشماریم.

گاه گاه تخیلات دقیق و اندیشه های لطیف او، کلیم، حزین و دیگر شاعران سبک اصفهانی را به یاد ما می آورد و در همان لحظه زبان شسته و یکدست او از شاعری به شیوه ی عراقی سخن می گوید.

رنگ عاشقانه ی غزل رهی، با این زبان شسته و مضامین لطیف، تقریباً عامل اصلی اهمّیت کار او است، زیرا جمع میان این سه عنصر اصلی شعر - آن هم غزل - از کار های دشوار است. امیری و شهریار دو غزلسرای برجسته ی این روزگار، هر کدام با داشتن محسّناتی در کار غزل، نقاط ضعفی هم در شعرشان دیده می شود، از جمله زبان غزل شهریار که گاهی در حدّ فرودین زبان مردم عامی است و یا مضامین باریک امیری، که از افق غزلی بیرون است و عدم هماهنگی بین اجزای بیت ها در غزل او، که هر کدام از عالمی دیگر است و گزارشگر اندیشه ی مخصوص به خود است، و روی هم رفته هماهنگی در ترکیب، میان ابیات غزل او وجود ندارد. اما رهی کوشیده است تا در این میان اعتدالی بر قرار کند؛ اگر مضامین لطیف و دقیق شیوه ی اصفهانی در شعر رهی به اندازه ی امیری نیست، اما این خصوصیت را نمی توان نادیده گرفت که هماهنگی در معانی غزلی و اجزای ترکیبی غزل در شعر رهی بیشتر از امیری است. و اگر سوز صمیمانه و سادگی عشق شهریار را در غزل رهی نمی بینیم، این را نمی توان فراموش کرد که زبان غزل او شستگی و نرمی بیشتری دارد و برای تغنی - که کار اصلی و عمده ی و وظیفه ی غزل به شمار می آید - آماده تر است.

من اکنون بر سر این نیستم که یکی از این سه شاعر را بر دیگری برتری نهم، اما در حالت مختلف و شرایط گوناگون، هر کس ممکن است یکی از این سه خصوصیت را مهم تر ببیند و در نتیجه یکی از این سه را بر دیگری ترجیح دهد.

اگر مجال بیشتری می بود در این میدان بحث بیشتری سزاوار بود، به خصوص که به کار غزل معاصر باید به طور دقیق رسیدگی شود و بسیاری از نقاط ضعف غزل امروز نشان داده شود؛ زیرا از میان قالب های شعر کلاسیک، غزل هنوز طرفداران بیشتری دارد و ادامه ی آن هنوز تا حدودی طبیعی می نماید و اگر تحولات درستی در آن به وجود آید، هرگز نخواهد مرد؛ زیرا بشر هیچ گاه از زمزمه و تغنی بی نیاز نخواهد بود. و غزل، خود یکی از بهترین انواع زمزمه های بشری است. البته « بشرطها و شروطها و سوز و حال من شرطها ». سخن از شعر رهی بود و ما به وادی دیگر افتادیم.

درباره ی رهی ، حرف های ضد و نقیض بسیار گفته می شود و این خصوصیت درباره ی اکثر شاعران خوب وجود دارد، همان طور که بعضی- از جمله خودم - شهریار را سلطان شوریدگان و یکی از غزل سرایان خوب قرن اخیر می شمارند، گروهی نیز او را شاعری در مراحل فرودین عالم سخنوری می دانند. درباره ی دیگران نیز این گونه سخن ها کم و بیش است. در بعضی از جراید نوشته بودند که مضامین شعر رهی را در آثار قدما می توان جست و این سخن را با بیانی - که از حدود انصاف و شیوه ی اعتدال نقد ادبی به دور است- به میدان آورده بودند. اما بر اهل نظر و کسانی که دست اندر کار نقد شعر و شاعری هستند پوشیده نیست که آن سخنان اگر هم صحّتی می داشت دلایل بیشتری هم به همراه می آورد، اما در بیشتر این سخنان جای گفت و گوی بسیار است.

بی آن که بخواهم موضوع را به طور کلی منکر شوم، ناگزیرم که برای بعضی از خوانندگان نکته ای را - که در انتقاد ادبی مهم است و در مسأله ی سرقات شعری در عرب و عجم مطرح می کنند- یاد آور شوم و آن این است که اگر شاعری مضمونی را از قدما گرفت، اگر بهتر از ایشان بیان کند، مضمون از آن او خواهد شد و تنها فضل تقدّمی برای قدما باقی است از جمله، امیری معزی گفته است:

چندان که بر آینه همی در نگری  
بر چهره ی خویشتن ز من فتنه تری  
و رهی گفته است:

من از دلبستگی های تو با آینه دانستم  
که بر دیدار طاقت سوز خود، عاشق تر از مایی  
هر خواننده ی فارسی زبانی، این شعر رهی را بر آن بیت معزّی ترجیح می دهد، بی آن که  
فضل تقدّم امیر معزّی را فراموش کند و این خصوصیت شعر رهی نیست، هر شاعری کم و بیش  
از متقدّمان خود مایه های لفظی و معنوی می گیرد، اگر چه امروز ناواردان جوان، که با موازین  
دیگری شعر معاصر را بررسی می کنند، حتّی حساب یک کلمه را هم دارند و مثلاً می گویند  
پیش از آن که تو در "شبخوانی" (نام نخستین مجموعه ی شعر شفیع کدکنی که چاپ اول  
آن در بهار ۱۳۲۴ در مشهد انتشار یافت.) ترکیب رؤیای نجیب را به کار ببری، امید (مهدی  
اخوان ثالث، م، امید)، کلمه ی نجیب را در شعرش به کار برده است و به همین میزان بر کار  
من خرده می گیرند.

اما در موازین نقد قدیم این حرف ها مطرح نبود، بگذریم. امروز رهی یکی از بهترین غزل  
سرایان معاصر به شمار می رود و شعرش دوستداران بسیاری دارد و من خود یکی از علاقه -  
مندان غزل رهی هستم با این که چندی است از غزل سرایی کناره گرفته ام و در مسیر دیگری  
قرار دارم.

از یک نظر اجمالی به دیوان سایه ی عمر رهی، می توان دریافت که رهی، در مرحله ی  
نخستین به سادگی و زیبایی بیان توجّه دارد و پس از آن به دیگر عناصر صوری و معنوی شعر.  
روی همین خصوصیت است که کلمات در شعر او، بیشتر از شعر هر غزلسرای دیگری، به جای  
خود نشسته است و صنعت های لفظی - به طور طبیعی - در شعر او کم نیست به خصوص لفّ  
و نشر.

ای شاهد افلاکی در مستی و در پاکی  
من چشم تو را مانم تو اشک مرا مانی  
از آتش سودایت دارم من و دارد دل  
داغی که نمی بینی دردی که نمی دانی  
دل با من و جان بی تو، نسپارم و بسپاری  
کام از تو و تاب از من، نستانم و بستانی  
و این خصوصیت در بسیاری از غزل های او. به چشم می خورد. تکرار یک مضمون در شعر او  
نیز گاه گاه دیده می شود، از جمله در غزلی می گوید:

مرا ز مردم نااهل، چشم مردمی است  
امید میوه ز شاخ بریده ای دارم  
و در جای دیگر گفته است:

بیچاره ای که چاره طلب می کند زخلق  
دارد امید میوه ز شاخ بریده ای  
کار اصلی رهی، غزل است، اما در قالب های دیگر شعر کهن نیز موفق بوده است چند تغزلی  
که به شیوه ی خراسانی دارد، در همان آفاق خراسانی و استادانه است به خصوص تغزل:  
ای مشک سوده، گیسوی آن سیمگون تنی  
یا خرمن عبیری یا بار سوسنی  
که گویا با توجه به تغزل ادیب صابر ترمذی به مطلع:

ای زلف یار من زرهی یا زرهگری  
یا پیش تیغ غمزه ی دلبر، زره دری  
سروده شده است و با بهترین تغزل قدما برابری می کند و در تغزلات قدما درباره ی زلف  
کمتر به این زیبایی می توان جست و من آن را از تغزل معروف و زیبای معزی کمتر نمی بینم  
که گفته است:

ای زلف دلبر من پر چین و پر شکنی  
گاهی چو وعده ی او، گاهی چوپشت منی  
در میان قطعات رهی نیروی اشک تابناکی بسیار دارد و از بهترین قطعاتی است که معاصران  
به شیوه ی کهن سروده اند.